

# کیارستمی، شاعر آرزوهای انسانی



عباس مؤدب

نوشتن در باره عباس کیارستمی کار ساده‌ای نیست چرا که او تنها یک فیلمساز مشهور و برنده نخل طلای فستیوال کان نبود، او شاعر آرزوهای کوچک انسانی بود، بی آنکه ادعایی برای شاعر بودن خود داشته باشد.

کیارستمی از آن رو که از هیچ کارگردان و یا سبک هنری دنباله روی نکرد، با تجربه‌های کوچک راه خود را یافت و گام به گام و همگام با زندگی هنر خود را آفرید و سبک خود را به وجود آورد، هنرمندی است استثنائی و به یاد ماندنی. هنر او بازتاب واقعیت‌های موجود در اجتماع است که از عدسی‌های ضخیم عینک او عبور کرده‌اند تا بیننده وجوه پنهانی آنها را ببیند و خشونت نهفته در روابط اجتماعی را لمس کند.

او در روزگاری که هوشنگ کاووسی اصطلاح فیلمفارسی را وارد دایره واژگان زبان فارسی کرد و در نشریات سینمایی جنگی تمام‌عیار بین موافقان و مخالفان فیلم قیصر در جریان بود، بی هیچ ادعایی برای کودکان از زندگی می‌گفت و آرزوهای کودکانه آنها را به روی پرده سینما می‌برد تا دیگران نیز از این آرزوها با خبر شوند.

هر چند تیتراژ به یاد ماندنی فیلم قیصر کار کیارستمی بود ولی او هرگز در سینمای خود به قهرمان‌پروری تن در نداد و عدسی دوربین خود را به سوی زندگی، آنچنان که جاری بود، زوم کرد. او با پرداختن به ساده‌ترین مسائل روزمره، به عمق روابط انسانها، آنچنان که بود، نفوذ می‌کرد، بی آنکه در مورد کسی قضاوت کند و یا راه حلی برای معضلات اجتماعی ارائه دهد. او همزمان نظاره‌گر و پرسشگر روابط میان انسانها بود، روابطی که در نگاه نخست خیلی ساده به نظر می‌رسند ولی در روند تاثیر متقابل و کنش انسانها پیچیدگی خود را عیان می‌کنند.

کیارستمی دوربین خود را همتراز با دید مردم تنظیم می‌کرد، تا زندگی را از همان زاویه‌ای ثبت کند که انسانها آن را تجربه می‌کنند

و ریتم فیلم را تا آنجا که ممکن بود با آهنگ زندگی، آن چنان که در واقعیت جاری است، تطبیق می‌داد.

در فیلم‌های عباس کیارستمی هیچ قهرمانی وجود ندارد که دست به کارهای ما فوق بشری بزند. او عامدانه بازیگران غیر حرفه‌ای را در فیلم‌هایش به کار می‌گرفت و همین از پیدایش هر نوع نقش‌آفرینی غیر واقعی جلوگیری می‌کرد و بیننده، نه برای تماشای چشم و ابروی زیبای این یا آن بازیگر، بلکه برای دیدن فیلم عباس کیارستمی به سینما می‌رفت و همچنان خواهد رفت.

کیارستمی خود را از در گیر کردن به سیاست به معنی جبهه‌گیری آشکار دور نگه داشت، در حالی‌که سینمای او با تمام وجود سینمایی اجتماعی و جانبدار بود بی آنکه انسانها را به فرشته و دیو تقسیم کند و یا روابط بین انسانها را به جنگ بین خیر و شر تنزل دهد. انسان برای او موجودی است اجتماعی با آرزوها و نیازهای خود که برای رسیدن به این آرزوها و بر آوردن آن نیازها نیازمند داشتن روابط اجتماعی با دیگر انسانها است. کودکان و زندگی آنها بخش بزرگی از دل مشغولی‌های او بود و بیهوده نیست که کارهای او برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از به یاد ماندنی‌ترین تولیدات کانون است.

سبک فیلم سازی کیارستمی را نمی‌توان با کارگردانهای دیگر مقایسه کرد. هر گونه تلاشی برای قرار دادن سبک او در یکی از ژانرهای موجود بیهوده خواهد بود. او فیلمسازی بود که سبک خود را آفرید. یادش گرامی باد.

۱۵ تیر ۱۳۹۵

عکس از پوریا ماهرویان

برگرفته از تارنمای □□□□